

# تشابه امثال در فارسی و ژاپنی نشانه‌ای از نزدیکی فرهنگی

اگر وجود مثلها و عبارت‌های حکمت‌آموز مشابه، یا در بسیاری موارد یکسان، را بتوان دلیل نزدیکی فکری و فرهنگی دو قوم گرفت. مردم ایران و ژاپن را باید دارای اندیشه و احساسی بسیار متجانس دانست. درست است که مثل‌ها و حکمت‌ها به درجه زیاد برآمده از عقل سلیم و منطق عام انسانی است که مرز زمان و مکان کمتر رنگ و روی و رایحه آنرا تغییر می‌دهد؛ اما برآمدن و پرداخته شدن تمثیل‌های یکسان در دو فرهنگ نشان از نزدیکی سلیقه و عادات و ارزشهای معنوی آنها دارد، و تفاوتها در موضوع امثال بیشتر نتیجه تأثیر محیط و طبیعت است. مثل فارسی می‌گوید که چراغ یا شمع پای خود را روشن نمی‌کند. و ژاپنی که با دریا محاصره شده است مَثَل «پای چراغ دریایی روشن تاریک است» را دارد، یا که مَثَل «مثل سیبی که نصف کرده باشند» (برای نمودن مشابهت دوکس) در ژاپنی صورت «مثل خیار که دو نیم کرده باشند» را پیدا می‌کند. امثال ژاپنی هم پر خاموشی و کم‌سخنی تأکید می‌کند و از بیهوده‌گویی تحذیر. باز، مثل ژاپنی هم تدبیر را همپای تقدیر در زندگی انسان کارساز می‌داند، و همت و تلاش را همراه با توکل و توسل بایسته می‌شناسد. در کتابهای امثال ژاپنی کمتر به نمونه‌ای برخوردیم که برابر با مفهومی نزدیک به آن در میان امثال فارسی به ذهن نیاید. زبان غنی فارسی و فرهنگ بالنده ایران دارای گنجینه‌ای پرریاز از امثال است، و زبان ژاپنی هم از این گنج معنی بهره‌ای شایسته دارد. ازینروست که در مجموعه‌های امثال ملل که بیشتر از سوی بنگاههای انتشاراتی باختر زمین تدوین و منتشر شده است و نمونه‌های برگرفته از فارسی و ژاپنی، و البته چینی، را زیادتر می‌یابیم. در بیشتر کتابهایی که برای معرفی ژاپنی و جامعه و

فرهنگ آن به مردم دیگر کشورها تهیه می‌شود نمونه‌هایی انتخاب شده از امثال ژاپنی که نماینده فکر و فرهنگ مردم این سرزمین است، می‌آید، که چون مؤلفان ژاپنی خود برگزیده‌اند باید از سخنان رایج و نیز روای سلیقه و پسند ژاپنی‌ها باشند، حال آنکه مؤلفان غیر ژاپنی یقیناً در پی سلیقه و در تأثیر زمینه فکری و فرهنگی خود هستند. پس مثل‌هایی را که در اینجا آمده از مجموعه زیر که در سال ۱۹۳۴ برای معرفی فرهنگ ژاپن تدوین و چاپ شده است برگرفته‌ام:

Fujiya, We Japanese, Book One, Hakone, 1934, pp.174-188.

جز چند «مثل که مفهوم آن فقط در فضای فکری و اجتماعی ژاپن مفهوم و روشن است، همه نمونه‌هایی که در مأخذ یاد شده هست در اینجا آمده است. به جای نگارش چینی - ژاپنی مثل‌ها، که خواننده فارسی‌زبان را به کار نمی‌آید، تلفظ مثل‌ها به حروف لاتین و نیز به فارسی آمده است تا آهنگ زیبای کلام ژاپنی هم نموده شود. در برابر آواخوانی هر مثل ترجمه عباراتی آن و سپس برابر یا معادل‌های آن از نمونه‌های امثال فارسی آورده شده است.

پول بیراه به دست آمده برای آدم نمی‌ماند.

Aku - sen mi ni tsuka - zu

= باد آورده را باد می‌برد.

اکو - سین می نی تسوکا - زو

\*\*\*

آدم سحر خیز هفت بُرد دارد.

Asaoki ni nantsu no toku ari

= سحر خیز باش تا کامروا باشی.

آسا - اوکی نی نانتسو نو توکواری

\*\*\*

فردا باد دیگر می‌وزد

Asu wa asu no kaze ga fuku

= فردا را که دیده؟ فردا کی زنده کی مُرده

آساوا آسونو کازه گا فوکو

\*\*\*

گرد و غبار که اندوه شود کوهی می‌سازد

Chiri tsumotte, yama to naru

= قطره قطره جمع گردد و انگهی دریا شود

چیری تسوموته، یاماتو نارو

\*\*\*

همدردان به حال هم دل می‌سوزانند

Dobyu ai awaremu

= بیا سونه دلان گرد هم آییم

دویبو آی آواره مو

\*\*\*

آب ریخته شده به ظرف بر نمی‌گردد

Fukusui bon ni kaerazu

= آب رفته به جوی باز نمی‌گردد

فوکوسویی بون نی کانه رازو

\*\*\*

هر جا که می‌روی به آداب آنجا رفتار کن

Go ni itte wa, go ni shitagae

= رفتم شهر کوران، دیدم همه کور، منم کور

گو نی ایته وا، گو نی شیتا گانه

= خواهی نشوی رسوا، هرنگ جماعت شو

\*\*\*

از مزرعه خاکی نمی‌شود صدف خوراکی صید کرد

Hatake kara, hamaguri wa torenu

= هرگز از شاخ بید بر نخوری

= زمین شوره شنبل بر نیارد

هاتاکه کارا، هامامگوری واتوره نو

\*\*\*

برای آدم گرسنه هیچ چیز بد مزه نیست

Himoji toki no, mazui - mono nashi

= آدم گرسنه سنگ را هم می‌خورد.

هیموجی توکی نو، مازوی - مونوناشی

\*\*\*

چشم عاشق همه خوبی می‌بیند

Horeta yokume

= اگر بر دیده‌مجنون نشینی به غیر از خوبی لیلی نبینی

هوره تا یوکومه

\*\*\*

باریک است اما دراز

Hosoku nagaku

هوسوکو ناگاکو

= آهسته و پیوسته / آهسته برو، همیشه برو / کم بخور، همیشه بخور  
= اسب تازی دو تک رود بشتاب شتر آهسته می رود شب و روز (سعدی)

\*\*\*

یک کلاه حصیر برایش مانده است و یکصد سکه طلای قرض  
Hyaku - ryo no kata ni amigasa hitotsu

هیاکوریو نوکاتانی آمی گاسا هیتوتسو

= المفلس فی امان الله

\*\*\*

با یک تلاش دو کار ساختن

Ikkyo ryotoku

= با یک تیر دو نشان زدن

ایکیوریوتوکو

\*\*\*

یک بخیه زود به اندازه دو بخیه دیر (اثر دارد)

Ima no hitohari, nochi no tohari

ایمانو هیتوهاری، نوچی نو توهارای

= سرچشمه شاید گرفتن به بیل

چو پُر شد نشاید گرفتن به پیل (سعدی)

\*\*\*

نوکر تازه سخت کار می کند، اما فقط تا بیست روز

Ima - mairi hatsuka

ایما مایری هاتسوکا

= نوکر (نوکر قدیم گستاخ و کاهل گردد) (دهخدا، امثال...)

= نوکر تیزرو

\*\*\*

آدم دستپاچه دور خودش می چرخد

Isogara maware

= آدم دستپاچه کار را دوباره می کند

ایسوگازا ماواره

\*\*\*

پالتو که مفت باشد، در تابستان هم مقبول است.

Itadaku mono wa natsu mo kosode

= مال مفت از غسل شیرین تر است

ایتاداکو مونو واناتسو مو کوسوده

\*\*\*

گفتنش آسان است، اما کردنش سخت

Iu wa yasuku, okonau wa katashi

یووا یاسوکو، اوکو نانو واکاتاشی

= گفت بگذار و گیرد کرد برای (سنایی)

= گفت بگذار کرد می باید، در غم عشق مرد می باید (اوحدی، نقل از دهخدا، امثال...)

\*\*\*

خاموشی بهتر از گفتار است

Iwanu wa iu ni masaru

ایوانو وایوئه نی ماسارو

= سخن گفته و قضای رفته و تیر انداخته باز نگرود

= سخن که از دهان بیرون رفت و تیر انداخته باز نگرود

= سخن که از دهان بیرون رفت و تیر که از قبضه کمان گذر یافت و مرغ که از دام پرید اعداوت آن

صورت نبندد (مرزبان نامه)

\*\*\*

مار است که مار را دنبال می کند

Ja no michi wa hebi

یانو میچی واهیبی

= به دست کسان مار باید گرفت

\*\*\*

گردش کار بهشت هم با پول است

Jigoku no sata mo, kane shidai

ستار عیوب و قاضی حاجاتی

= پول حلال مشکلات است

= با پول روی سبیل شاه نقاره می زنند

= ای زر تو خدا نه ای ولیکن به خدا

\*\*\*

عمر همچون شعله شمعی است در رهگذر باد

Jinsei wa fuzen no tomoshibi

جین سبی و افوزن نو توموشی بی

= عمر برف است و آفتاب تموز

= عمرها چون باد در گذر است

= پرتو عمر چراغی است که در بزم وجود به نسیم مژه برهم زدنی خاموش است

(صائب)

\*\*\*

حقیقت حال از رفتار پدیدار می شود

Jodan kara makoto ga deru

جودان کارا ماکو تو گا درو

= رنگ رخساره خبر می دهد از سر ضمیر

= پنبه دزد دست به ریشش می کشد (داستان نامه بهمنیاری، ش ۱۳۲۵)

\*\*\*

آدم کار کشته هم گاهی خطا می کند

Jozu no te kara mizu ga moru

جوزو نو ته کارا میزو گامورو

= انسان جایز الخطا است

آدمیزاد شیر خام خورده است

= انسان محل سهر و نسیان است

گناه آدمی رسمی قدیم است (نظامی)

\*\*\*

دیوار گوش دارد، شو جی (در کشویی)

Kabe ni, mimi ari, shoji ni me ari

= دیوار موش دارد، موش هم گوش دارد

کابه نی میمی آری، شو جی نی مه آری

\*\*\*

پول که داشته باشد، احمق هم از باب است

Kane areba, baka mo danna

کانه اره با، باکا مو دانا

= پول خوشگلی می آورد

پول داشته باش، عیب داشته باش

= سرختر باش، صاحب زر باش

دارای مال باشد، هر چند مار باشد

\*\*\*

پول که رفت، عشق هم به دنبالش می رود

Kane no kireme ga, en no kireme

کانه نو کیره مه گا، ان نو کیره مه

= گرسنگی نکشیده ای که عاشقی یادت برود

= این دغل دوستان که می بینی مگس مانند گرد شیرینی

خرچنگ سوراخ (لانه) اش را اندازه خودش درست می کند

Kani wa kora ni nisete, ana o horu

کانی وا کورانی نیسه ته، انا نو هورو

= پایت را به اندازه گلیمت دراز کن

\*\*\*

بچه نازنینت را با ترکه بزرگ کن

kawaii ko wa bo de sodateyo

کاوایی کو وا بو ده سوداته یو

= چوب استاد گلست، هر که نخورد خلست

= از بند بگیرد آدمی بند

چوب از بهشت آمده است

\*\*\*

عشق ملاحظه در کارش نیست

Koi wa shian no hoka

کوی واشیان نو هوکا

= عشق از اول سرکش و خونی بود

تا گریزد هر که بیرونی بود (مولوی)

\*\*\*

وقت مانند تبری که از کمان رها شده باشد می‌گذرد

Koin ya no gotoshi

کوتین یانو گوتوشی

= غنیمت دان آدمی تا یک دمت هست

آن روز که بگذشت کجا آید باز؟

= دی رفت و باز نیاید، فردا را اعتماد نشاید، حال را غنیمت دان که دیر نیاید (خواجہ عبداللہ

انصاری)

رتال بلع علوم انسانی

\*\*\*

\*\*\*

رنگرزه‌ها شلوار و دامن سفید (رنگ نشده) می‌پوشند

Koya no shiro hakama

کویانو شیرو ها کاما

= کوزه گراز کوزه شکسته آب می‌خورد

\*\*\*

چیز ترسناک آدم را به دیدن وسوسه می‌کند

Kowai - mono mitashi

کویای مونو میتاشی

الانسان حریص علی ما منع

که حریص است آدمی بر ما منع (مولوی)

بودشان حرص بقای ممتنع

در خموشی گفت ما اظهار شود که زمعن آن میل افزونتر شود (مولوی)

\*\*\*

قاطرچی هم در لباس آراسته برازنده نشان می دهد

Mago nimo isho

= این منم تیشیش مامانی به تنم

ماگونی موایشو

\*\*\*

صبر آفریننده روز سعادت است

Mateba kanro no hiyori ari

ماته باکانرو نو هی یوری آری

= گر صبر کنی زغوره حلوا سازم

= از عقب صبر نوبت ظفر آید

\*\*\*

نتیجه کار تقصیر خود آدم است

Mi kara deta sabi

می کارا دتا سابی

= خود گشته را تعزیت نمی دارند

خودم کردم که لعنت بر خودم باد

\*\*\*

ماه آسمان بزرگ می شود و سپس رو به کاستی می رود. حال دنیا چنین است

Mitsureba kakuru, yo no narai

= زندگی پست و بلند دارد گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

= هر سرازیری سربالایی دارد

میتسوره با کاکورو، یونونارای

\*\*\*

شیرینی برنجی (موچی) را موچی ساز بهتر درست می کند

Mochi wa mochiya

موچی واموچی یا

= کار هر بز نیست خرمن کوفتن

= از هر کسی کاری ساخته است

\*\*\*

از چیز پیش کشی ایراد نمی گیرند

Moraimono ni kujo

مورای مونو نی کوجو

= اسب پیش کشی، دندانش را نمی شمارند



\*\*\*

زنبور هم صورت اشکک آلود را نیش می زند

Naki - tsura ni hachi

ناکی - تسوراننی هاچی

= قوز بالا قوز

= سپلشت آید و زن زاید و مهمان برسد

\*\*\*

چیزی که دوبار پیش بیاید، سومی هم دارد

Ni - do aru koto wa, san - do aru

= هیچ دویی نیست که سه نشود

نی دو ارو کوتو وا، سان دو ارو

\*\*\*

شگرده خام (در شمشیرزنی) نتیجه اش خوردن زخم سخت است

Nama - byoho wa, okizu no moto

= علم ناقص بدتر از جهل است

= علم خوان همچو علم دان نبود (سنایی)

\*\*\*

ماهی را به گربه سپردن

Neko ni katsuobushi

نکو نی کاتسو نو بوشی

= گوشت را به گربه سپردن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

\*\*\*

پرتال جامع علوم انسانی

سکه طلا به پای گربه ریختن

Neko ni koban

نکو نی کوبان

= خرچه داند قیمت نقل و نبات

= گاو لوزینه چه داند

\*\*\*

باز صیدافکن هرگز چنگالش را نشان نمی دهد

No - aru - taka wa, tsume o kakusu

= کشتی گیر همه فن ها را به شاگرد یاد نمی دهد

نو - ارو - تاکاوا، تسومه نوکاکوسو

\*\*\*

زندگی پر تجمل دیر نمی باید

Ogoru mono hisashi karazu

= مالت به شبی رود، خُست به تبی

اوگور مونو هیساشی کارازو

\*\*\*

روزی که تصمیمی بگیری بهترین وقت به اجرا در آوردن آنست

Omoi tatta ga kichi nichī

او موی تاتا گاکیکچی نیچی

= کار امروز را به فردا مگذار

= از امروز کاری به فردا ممان (ابوالفضل بیهقی)

\*\*\*

توی چشم دیو هم اشک جمع می شود

Oni - no me nimo namida

اونی - نو - مه - مه نو نامیدا

= گریه بر هر درد بی درمان دواست

گریه دام زن است

\*\*\*

چشم پدر و مادر به عیب بچه کور است

Oya no yokume

اویانو یوکومه

خاله سوسکه به بچه اش می گوید قربان دست و پای بلوریت!

\*\*\*

حرف سال آینده را نزن که شیطان به تو می خندد

Rainen no koto o iuto, oni ga warau

راینن نوکوتو ئو یوتو، اونی گوارائو

= روزی که نیامده است ازو یاد مکن

= چو فردا شود فکر فردا کنیم

\*\*\*

راحت و رنج با هم است

Raku areba ku ari

= گنج و منار و گل و خار و غم و شادی بهم اند

راکو اره با، کواری

\*\*\*

حجت قویتر از جدل است

Ron yori shoko

رون یوری شوکو

= دلایل قوی باید و معنوی  
= نه رگهای گردن به حجت قوی

\*\*\*

هم جنس هاگرد هم می آیند

Rui o motte atsumaru

رویو نو موته آتسومارو

=کندهم جنس با هم جنس پرواز  
کیوتر با کیوتر باز با باز

\*\*\*

آنکه / آنچه رفته است هر روز بیشتر از یاد می رود

Saru - mono hi ni utoshi

=از دل برود هر آنکه از دیده برفت

سارو - مونوهی نی اوتوشی

\*\*\*

قدیسی که سراغش نرفته ای قهرت نمی کند

Sawaranu kami ni tatari nashi

=دست بزنی قال چاق میشه. دستش نزن قال چاق نشه.

سوارانو کامی نی تاتاری ناشی

\*\*\*

ناخدا که چند تا شد کشتی سر کوه می رود

Sendo oku shite fune yama ni noboru

سنداوکو شیته فونه یامانی نوبورو

= ماما که دو تا شد سر بچه کج درمی آید  
= آشپز که دو تا شد آش یا شور است یا بی نمک.

\*\*\*

موعظه کردن برای بودا (بیهوده است)

Shaka ni seppo

=لقمان را حکمت آموختن (خطاست)

شاکو نی سپو

\*\*\*

پول بر درخت پشتکار می روید  
(پول میوه نهال کوشش است)

Shimob suru - ki ni, kane ga naru

شیمبو سورو - کی نی، کانه گانارو

= کارها به کوشش برآید

\*\*\*

بی خبری بوداست

Shiranu ga hotoko

شیرانو گاهوتوکه

= عالم بی خبری طرفه بهشتی بوده است

حیف و صدحیف که ما دیر خبردار شدیم (صائب)

\*\*\*

پایتخت آدم خانه اش است

Sumeba miyako

سومه بامی یاکو

درون خانه خود هر گدا شهشاه است

\*\*\*

با پیش گرفتن کارهای بسیار هیچ کار پیش نمی رود

Tagei wa mugei

تاگی واموگی

= آدم هزار پیشه کم مایه می شود

آدم هزارکاره هیچ کاره است

\*\*\*

خاک بر سر تپه بردن

Takemi ni tsuchi mori

تاگه می نی تسوچی موری

= زیرو به کرمان بردن

\*\*\*

(هرچه باشد) خویش بهتر از بیگانه است

Tanin yori miuchi

تانین یوری می نوچی

= اگر گوشت همدیگر را بخورند استخوان هم را دور نمی اندازند

\*\*\*

با عجله کار پیش نمی رود

Tanki wa shonki

تانکی واشونکی

= عجله کار شیطان است

\*\*\*

پای چراغ دریایی تاریک است  
پای سکوی روشن تاریک است

Todaya moto kurashi

تودای موتو کوراشی

= چراغ پای خودش را روشن نمی‌کند  
پای شمع تاریک است

\*\*\*

پشه‌های شب آسان خود را به آتش می‌اندازند

Tonde hi ni iru, natsu no mushi

تونده هی نی ایرو، ناتسو نو موشی

= هر که با به از خود برآید، آخر به سر آید

\*\*\*

پیش از صید کردن گورکن، پوست شکار را بشمار

Toranu tanuki no, kawa zanyo

تورانو تانوکی نو، کاوازانیو

= به دشت آهوی ناگرفته میبخش  
جوجه را آخر پاییز می‌شمارند

\*\*\*

دعا خواندن در گوش اسب

Uma - no - mimi ni nemutsu

اومانو میمی نی نمبوتسو

= انگار در گوش خر خواندن (بیهوده است)

\*\*\*

تقدیر در آسمان است و لقمهٔ برنج بر تاقچه

Un wa ten ni ari, Botomochi wa tana ni ari

او وا تن نی اری، بوتاموچی واتانا نی اری

= از تو حرکت، از خدا برکت

\*\*\*

Uri futatsu ni, watta yo

اوری فوتاتسو نی، واتایو

مثل خیاری که به دو نیم کرده باشند

= مثل سیبی که نصف کرده باشند (به هم مانندند)

\*\*\*

جنس فروشی را با گل می آریند

Urimono ni, hana o kazare

اوریمونو نی، هانا نو کازاره

= هیچ بقالی نمی گوید ماست من ترش است

\*\*\*

شاخ خیار هرگز بادمجان بار نیاورد

Uri - no - tsuru ni, nasubi wa naranu

اوری نو تسورونی، ناسوبی وانارانو

= گندم از گندم بروید جو زجو

\*\*\*

حقیقت از میان دروغ بیرون می آید

Uso kara deta makot

اوسوکارا دتا ماکوتو

= رنگ رخساره خیر می دهد از سبز ضمیر

پنبه دزد دست به ریشش می کشد (داستان نامه بهمنیاری، ش ۱۳۲۵)

\*\*\*

دروغگویی سر آغاز دزدی است

Uso wa dorobo no hajimari

اوسو وادوروبو نو هاجیماری

= تخم مرغ دزد شتر دزد می شود

\*\*\*

از کسی که حرف بزنی، سایه اش پیدا می شود

Uwasa o sureba, kage ga sasu

اواسانو سورهبا، کاکه گاساسو

= آدم حلال زاده حرفش را که بزنی پیدایش می شود.

\*\*\*

نیشگانی از خود بگیر تا درد دیگران را بفهمی

waga - mi o tsunette, hito no itasa o shiri

= یک سوزن به خودت بز، یک جوالدوز به مردم

واگا - می نوتسونتته، هیتو نو ایتاسا نو شیری

\*\*\*

هر کس به مزرعه خودش آب می اندازد

Waga - ta e, mizu o hiku

واگا - تانه، میزو نو هیکو

= زمانه ایست که هر کس به خود گرفتار است  
کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من

\*\*\*

جنس ارزان خریدن اتلاف پول است

Yasumono - kai no zeni - ushinai

یاسومونو - کای نو زنی - اوشینای

= هیچ ارزانی بی علت و هیچ گرانی بی حکمت نیست

\*\*\*

شناگر قابل آخرش در آب غرق می شود

Yoku oyogu - mono wa, yoku oboru

یوکو - اویوگو - مونو وا، یوکو اوبورو

= از مارگیر، مار برآرد شبی دمار

= بهرام که گور می گرفت می همه عمر

دید می که چگونه گور بهرام گرفت (منسوب به خیام)

\*\*\*

عروس و پارچه را باید روز روشن دید و پسند کرد

Yome to tammono wa, hiruma erabe

یومه تو تامونو وا، هیروما آرابه

\*\*\*

کار خوب را باید زود انجام داد

Zen wa isoge

زن و ایسوگه

= در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست

\*\*\*

واژگون شدن ارابه جلویی هشدار می است به ارابه پشتی

Zensha no kutsugaeru wa, koshi no imashime

زنشا نو کوتسوگائیه رو وا، کوشانو ایماشیمه

= پند گیر از مصائب دیگران تا نگیرند دیگران ز تو پند